تنصرياً رمى مواند واسبة م عرس العوامل الرياسة تفسرلندارة سيان عالمين دهلت مطرستم (8) (A) Combies chair estables in instances Complien Clar of Land relación to l'institución درارًامن تعييل است كه عبريان السريكي المقامي سشود ماءست مَسْرات سار می سود سی می سوان لفت برای سوی ی راد الفا یی می الفا یی با الفات مثار میناسی است: ز برای تی ملقم ماند مانون لين (مرای N حلق) ا المال و سر الم المرسع : وسلماى است مى دواد حرما ت الوجال را انداز. گست وازهمی همت عبورحریان راس سال دی. مسطان سیمای دادر سال سياكسيسي سياني دهد مرحالت على اسطار دادرم دع عرب المسرسي هم حربا بی ارم درستان دهد درسا سندی محمد الکس کی درای وه و درال در عسان حال ا دعب اهنای میلدای را طوری حردت